

دخالت دولت در نظام اقتصادی از دیدگاه نظام اقتصادی اسلام

دکتر منصور زراء نژاد*

چکیده:

در ضرورت تشکیل حکومت اتفاق نظر وجود دارد. دولت در نظام اقتصادی اسلامی وظایف ویژه ای دارد. دولت به استناد آن وظایف فعالیتهای اقتصادی جامعه را در چهارچوب جهت گیریهای کلی نظام هدایت می کند و بر مطابقت فعالیتهای اقتصادی با جهت گیریهای کلی نظام اقتصادی و مصالح عمومی جامعه نظارت می نماید. در صورت عدم مطابقت، دولت در اقتصاد دخالت می کند. یکی از مصادیق دخالت دولت در اقتصاد، دخالت در مکانیسم بازار است. نمونه هایی از این دخالت، دخالت برای جلوگیری از احتکار و تشکیل انحصارات است و دیگری دخالت در مکانیسم تعیین قیمت در حالتی که قیمت از حد طبیعی و متعارف خارج شده و مصادق اجحاف به مصرف کنندگان باشد.

واژه های کلیدی: نظام اقتصادی اسلام، دخالت دولت، احکام حکومتی، احتکار، تعیین قیمت.

۱- مقدمه

یکی از موارد بارز دخالت دولت، دخالت در مکانیسم بازار است. در این مقاله دخالت دولت در مکانیسم بازار مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. مقاله از پنج بخش تشکیل شده است. پس از مقدمه، بخش اول، به ضرورت وجودی دولت مختصراً اشاره می کند. بخش دوم به بحث در مورد نظارت و دخالت دولت می پردازد. این بخش شامل شش قسمت است که به ترتیب اصل دخالت دولت، قلمرو آزادی نظر قانونی، مقتضای شرایط ویژه و اضطرار، ارکان اجرایی نظارت و دخالت دولت، نظارت خلفاً بر بازار و تاریخچه نظارت دولت را مورد مطالعه قرار می دهد. بخش سوم به مبحث جلوگیری از

* استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز zarram@excite.com

احتکار و انحصار اختصاص دارد. در این بخش تعریف احتکار، اقسام حبس کالا، اقدامات دولت برای جلوگیری از احتکار و موارد احتکار در چهار بخش به بحث گذاشته می شوند. بخش چهارم به دخالت دولت در مکانیسم تعیین قیمت می پردازد. در قسمت اول این بخش قیمت طبیعی و متعارف و در بخش دیگر سیاست تثبیت قیمتها بررسی می شود. بخش پنجم به جمع بندی و نتیجه گیری اختصاص دارد.

۲- ضرورت وجودی دولت

در ضرورت تشکیل حکومت اتفاق نظر وجود دارد. "طبق ضرورت احکام اسلام و رویه رسول اکرم (ص) و حضرت امیرالمؤمنین و مفاد آیات و روایات، تشکیل حکومت لازم است." اختلاف در نوع حکومت یا شرایط هیأت حاکمه است. "سنت و رویه پیغمبر اکرم (ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است. زیرا اولاً خود تشکیل حکومت داد و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته و به اداره جامعه برخاسته است و ثانیاً برای پس از خود به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است" (خمینی، ۲۵، ۳۹).

۳- نظارت و دخالت دولت

ماهیت و تنوع قوانین اسلام نشان از آن دارد که دولت برای اداره کردن و سازماندهی جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وظایف ویژه ای دارد (خمینی، ۸-۲۹). وجود دولت و تأثیر گذاری آن بر فعالیتهای اقتصادی عرضی و موقتی نیست. بلکه نظام اقتصادی اسلامی به حسب طبیعت خویش بر وجود دولت در کنار بخش خصوصی به صورت مستقر و دائم مبتنی است. فعالیتهای دولت در زمینه های مختلف برنامه ریزی، نظارت، تولید و مصرف ظاهر می شود (قحف، ۸۴، الریس، ۸۲-۲۷۹، برکات، ۹۱).

نظام اقتصادی اسلام به جهت ارتباط با اخلاقیات و عقاید اسلامی ملزم به تدوین و ارائه اصول و سیاستهای راهبردی برای جهت گیری عمومی نظام اقتصادی در راستای ارزشهای مورد قبول و باورهای اسلامی است. هر اندازه که واحدهای اقتصادی، اعم از فرد، خانوار و بنگاه اقتصادی، در رفتار خود ملهم از عقاید اسلامی و مقید به اخلاقیات باشند، حرکت عمومی اقتصاد همراه و همسو با آن جهت عمومی و در چهارچوب همان اصول و سیاستهای راهبردی است.

در نظام اقتصادی اسلام اصل اولی بر آزادی اقتصادی است (تسخیری، ۴۷-۱۴۴) و دولت در صورتی که عملکرد واحدهای اقتصادی همسو با جهت گیری عمومی نظام اقتصادی باشد، انگیزه و دلیلی برای دخالت نمی یابد. اما، در هر حال برنامه ریزی دولت، تنظیم روابط اقتصادی و نظارت مستمر آن بر فعالیتهای اقتصادی برای حفظ جهت گیری عمومی نظام اقتصادی لازم می نماید. در این خصوص دولت نمی تواند تنها به مکانیسم دست نامرئی اکتفا و اعتماد کند (قحف، ۴-۸۵). دولت می تواند فعالیتهای اقتصادی جامعه را از طریق هدایت، وضع مقررات، نظارت مستمر و دخالت در صورت لزوم تحت تأثیر قرار دهد. این تأثیر می تواند در زمینه های مختلف باشد. در این مجال تنها به یکی از جنبه های دخالت دولت در اقتصاد یعنی دخالت دولت در بازار پرداخته می شود.

۳-۱- دخالت دولت

دولت اختیار قابل توجهی برای نظارت بر فعالیتهای اقتصادی و کنترل آنها دارد. حدود اختیارات دولت در این باره به اعتباری، سه نوع است: اجرای احکام اولیه؛ تشخیص ضرورت و حاکم نمودن احکام ثانویه؛ و تشخیص مصلحت و وضع و اجرای احکام حکومتی.

۳-۲- اجرای قوانین و مقررات ثابت تشریحی (احکام اولیه)

دولت در این باره برخی از قوانین و مقررات اقتصادی را مستقیماً به اجرا می گذارد. مثلاً از معاملات ربوی و نقل و انتقالات حقوقی غیر قانونی زمینها جلوگیری به عمل می آورد.

۳-۳- تشخیص مصادیق ضرر یا ضرورت و اجرای قوانین و مقررات موقت (احکام ثانویه)

دولت در صورتی که تشخیص دهد بستر و شرایط لازم برای اجرای برخی از احکام فراهم نیست، اجرای آن احکام را موقتاً و تا حصول شرایط لازم متوقف می کند. توقف اجرای احکام اولیه (موقتاً) حاصل شرایط ویژه و اضطراری یا ضرری است.^۱

^۱ البته عناوین ثانویه منحصر به اضطرار و ضرورت و ضرر و اضرار نیست، بلکه علاوه بر آنها شامل عناوینی مانند عسر و حرج، اهم و مهم، مقدمه واجب و حفظ نظام نیز می شود. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: تسخیری،

در شرایط غیر عادی امکان تحقق اهداف کلی و عدالت اجتماعی را محدود می کند و به ضرر اجتماعی یا فردی می انجامد. در آن صورت، احکام ثانوی برای نفی حرج و ضرر، بر احکام اولیه حاکم و مقدم می شود و تا رفع ضرورت یا انتفاء ضرر و حرج جریان می یابد. شخصی به نام سمره بن جندب درختی در منزل ابو ایوب داشت. سمره به بهانه رسیدگی به درخت خود، گاه و بی گاه بدون اجازه وارد منزل ابو ایوب می شد و اسباب مزاحمت خانواده او را فراهم می کرد. ابو ایوب به پیشگاه پیامبر(ص) شکایت برد، ولی سمره باتمام پیشنهادهای پیامبر(ص) مبنی بر رفع مزاحمت در برابر عوض مخالفت کرد. پیامبر(ص) دستور داد که درخت سمره را قطع کنند و فرمود: «لا ضرر ولا ضرار» (محقق داماد، ۱۳۶۳، ۳۸-۱۳۳).

۳-۴- وضع و اجرای مقررات، بنا بر مصلحت اجتماعی (احکام حکومتی)

به استناد این اختیار دولت در قلمرو آزادی نظر قانونی (منطقه فراغ)، برای تحقق هدفهای کلی اقتصادی و عدالت اجتماعی قانون گذاری می کند.

۳-۴-۱- قلمرو آزادی نظر قانونی (منطقه فراغ)

دولت اختیار دارد که برای تنظیم و سازمان دادن به فعالیتهای اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی مطابق با شرایط زمانی و مکانی به تدوین مقررات و سیاستهای راهبردی مناسب به پردازد. این عنصر پویا هم در سطح تئوریک و هم در میدان واقعیتها و شرایط عینی، نظام حقوقی و اقتصادی اسلام را زنده و فعال نگاه می دارد. اختیار و صلاحیت قانون گذاری بر حسب شرایط و مقتضیات روز به دلیل نص قرآن حکیم است که فرمود: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (سوره نساء، آیه ۵۹).

به موجب این نص حدود و قلمرو آزادی نظر قانونی، یا به عبارت دیگر منطقه فراغی که اختیارات دولت را تعیین می کند، تمامی مباحات را شامل می شود. یعنی دولت می تواند به عنوان حکم حکومتی در صورت اقتضای مصلحت، هر فعالیت مباحی را که حرام یا واجب شرعی نباشد لازم الاجرا یا ممنوع اعلام نماید. بر اساس همین اختیارات بود که پیامبر(ص) در شرایط اقتصادی و اجتماعی ویژه مدینه، اهالی آن را از خودداری از بخشیدن آب مازاد بر احتیاج آبیاری نخلستانها و مزارع منع کرد (عاملی، ج ۱۷، باب ۷، حدیث ۲). زیرا لزوم رشد ثروت ملی عموماً و توسعه فعالیتهای کشاورزی و دامی مدینه خصوصاً سبب وضع و اعمال چنین محدودیتی شده بود. در عصر امامت علی (ع)

دستورهای مؤکدی در باره تحدید قیمتها داده می شد که فلسفه آنها تأمین عدالت اجتماعی بوده است (صدر، ۲/۳۰۵). عمل امام در مورد تعیین قیمتها یک حکم حکومتی بود (منتظری، ۲۱).

۳-۵- ارکان اجرائی نظارت و دخالت دولت

پیامبر(ص) بر اجرای قوانین نظارت داشت و به وسیله امر به معروف و نهی از منکر مسیر صحیح اجرای قوانین را تأمین می کرد. همچنین، در شرایط مختلفی که ارشاد و دخالت دولت لازم می نمود، اصل دخالت دولت را اعمال می کرد که در اثر آن پاره ای از مباحات، که در شرایط ویژه با اهداف نظام اقتصادی اسلام تعارض داشت، به حکم حکومتی تحریم یا واجب می گشت (صدر، ۱/۳۲۶). همچنین، هنگام ضرورت در چهار چوب احکام ثانوی به برنامه ریزی می پرداخت و بر اساس آن حیات اقتصادی و اجتماعی را سازمان می داد به گونه ای که با مصالح عمومی تعارض نداشته باشد. نظارت و دخالت دولت در زمینه بازار نیز از ابتدای تشکیل دولت اسلامی اعمال می شد و رسول خدا (ص) سعید بن عاص را مأمور بازار مکه و عمر بن خطاب را مأمور بازار مدینه قرار داده بود (الکتانی، ۱/۲۸۵، حلبی، ۳/۳۶۵).

۳-۶- نظارت خلفا بر بازار

در ادوار اولیه خلافت، نظارت بر بازار اهمیت ویژه ای داشت (ماوردی، ۲۵۷). عمر بن خطاب در حالی که تازیانه ای بر دوش داشت، در بازارها می گشت و به کار بازاریان رسیدگی می کرد (طبری، ۴/۱۹۰). وی مأموران ویژه ای نیز برای این منظور تعیین کرده بود (ابو عبید، ۷۱۱). در زمان خلافت عثمان نیز این نظارت ادامه یافت و مأموران بازارها این وظیفه را بر عهده داشتند (دیاربکری، ۲/۲۶۷). امام علی(ع) نیز در زمان حکومتش به بازارها سرکشی می کرد و بازاریان را ارشاد می نمود و آنان را از تخلف بر حذر می داشت (دیاربکری، ۲/۶۷۲). آن حضرت بر کیفیت کالاهای عرضه شده و پیمانه ها و ترازوها نیز نظارت می نمود. دیگر بازارها نیز از جمله بازار کوفه به همان صورت مشمول نظارت بودند. امام (ع) در بازار کوفه به امر و نهی بازاریان می پرداخت و شخصاً به اوضاع رسیدگی می کرد (مجلسی، ۱۰۶-۴۱/۱۰۴ و عاملی، ۱۲/۲۴۸) و قیمت کالاها را کنترل می نمود. امام (ع) عاملانی بر بازار گماشته بود و شدیداً کار آنان را زیر نظر

داشت، به گونه ای که در چند مورد عاملان خود را در اثر خیانت مجازات کرد یا به زندان محکوم نمود (مغربی، ۲۰/۵۲).

۳-۷- تاریخچه نظارت دولت بر بازار

از آن چه اشاره رفت روشن می شود که اصل نظارت بر بازارها از صدر اسلام وجود داشت و تا قرون متمادی ادامه یافت. شواهد تاریخی نشان می دهد که در قرن سوم این نظارت به عهده دایره/امر به معروف و نهی از منکر اعمال می شد که از دوائر دولتی بود. در قرن چهارم به طور روشن دولت این نظارت را توسط دایره/حسبه اعمال می کرد (مطهری، ۴۷). این دایره دو وظیفه کلی رسیدگی به وضع اجتماعی (ابن خلدون، ۲۲۵) و اقتصادی (ابن الاخوه، ۸۳) را به عهده داشت. وظایف محتسب (مسئول دایره حسبه) در نظارت و کنترل بازار برای اجرای قوانین و مقررات اقتصادی متعدد بود (مطهری، ۴۸-۵۱).

نظارت و دخالت دولت در بازار از طریق اداره حسبه یا اداره های دیگر در ابتدا موجب تحمیل وظایف سنگینی نسبت به اصناف نبود. لیکن به تدریج مراقبت محتسب افزون شد و دخالت دولت به حدی رسید که عزل و نصب رؤسای اصناف در اختیار دولت در آمد (الموردی، ۲۵۶).

بنابراین، بنا به اصل اولی و شان دولت قاعداً نظارت و دخالت دولت نباید مانع از کارکرد مکانیسم بازار گردد. محدوده دخالت دولت هدایت عمومی واحدهای اقتصادی در جهت همسویی و انطباق با جهت گیریهای کلی نظام اقتصادی است. این هدایت به طریق اولی باید با فرهنگ سازی، ترویج اخلاق و عقاید اسلامی، تبیین جهت گیریهای عمومی و ارائه راهبردهای کلی نظام اقتصادی اسلام باشد و برنامه ریزی و سیاستگذاری دولت باید اساساً بر این مبنا استوار باشد. فعالیت دولت در چهارچوب سیاستهای عمومی نظام عمدتاً باید بر محور هدایت و ارشاد متکی باشد. دخالت دولت در مکانیسم بازار تنها برای همسویی فعالیتهای اقتصادی با جهت گیریهای کلی و حفظ مصالح عمومی قابل توجیه است.

۴- جلوگیری از احتکار و انحصار

در اسلام ایجاد انحصار و احتکار منع شده است. در صورت تحقق احتکار و به خطر افتادن مصالح عمومی جامعه، دولت به تدابیری برای منع احتکار اقدام می نماید.

۴-۱- تعریف احتکار

آن چه از کلمات اهل لغت به دست می آید، این است (منتظری، ۱۳، البشانی، ۶، ابن منظور، ۴/۲۰۸) که مفاد واژه احتکار به حسب اصل و وضع، عبارت است از حبس کالایی که مردم بدان نیازمند باشند؛ و لازمه صدق احتکار وجود نیازمندی، ظلم و بد زیستی است. شاید این مفاهیم در اصل احتکار اخذ شده باشند و سپس در حبس کالاهای مورد نیاز مردم، که از اظهر مصادیق ظلم است، استعمال شده باشند و احتکار به طعام اختصاص ندارد و اضافهً طعام به آن از باب مثال است؛ زیرا طعام از اظهر مصادیق نیازمندی است.

در کلمات فقها احتکار غالباً در موارد خاص یعنی طعام و قوت به کار رفته است، چنان که در مقنعه (شیخ مفید، ۹۷) احتکار را به حبس اطعمه مورد نیاز و در نهاییه (شیخ طوسی، ۳۴۷) آن را به حبس شش قسم از طعام و در مختصر نافع (محقق حلی، ۱۲۰) آن را به حبس قوت و در دروس (شهید اول، ۳۲۲) آن را به حبس هفت مورد از طعام و در قواعد (علامه حلی، ۱/۱۲۲) آن را به حبس شش مورد از طعام و دیگران هم نزدیک به این معنا تعریف کرده اند.

۴-۲- اقسام حبس کالا

حبس و نگهداری کالا چند نوع دارد. این انواع می تواند به سه صورت کلی زیر باشد (منتظری، ۸-۳۷).

۱- حبسی که موجب نبود یا کمبود کالا در بازار شود؛ و در اثر آن مردم به تنگنا و سختی افتند. این نوع حبس به طور یقین احتکار است و مورد نهی شارع (شیخ طوسی، ۳/۱۱۵، عاملی، ۲/۳۱۶) قرار گرفته و به مقتضای اخبار و به حکم عقل حرام است. ملاک حرمت این حبس نفس تحقق ضیق و سختی است؛ چه به قصد اضرار و ضیق باشد یا نه. تشخیص این امر که حبس کالا از نوع مذکور باشد یا نه به عهده دولت است چنان که امیر مؤمنان (ع) مالک اشتر (عبده، ۲/۱۳) و رفاعه (معزی، ۲/۳۵) را مأمور منع و نهی از آن و مجازات محتکر کرده بود.

۲- حبسی که در اثر آن قیمت بازار افزایش یابد، لیکن مردم به سبب این افزایش در تنگنا و سختی نخواهند افتاد. زیرا عرضه کالا در بازار به مقدار لازم است و ترقی

قیمت به حدی نیست که عادتاً قابل تحمل نباشد. این نوع از مصادیق احتکار نیست و از شمول آن خارج است (منتظری، ۳۷).

۳- نوع سوم، حبس کالا به منظور جلوگیری از رکود و کساد بازار و ایجاد رونق است. چنانچه کالاها در یک زمان وارد بازار شود، افزایش عرضه باعث کاهش قیمت‌ها و در نتیجه رکود می‌شود. عرضه کنندگان به منظور جلوگیری از رکود و به انتظار رونق بازار با حبس کالا به مدت زمانی معین عرضه کالا را متناسب با تقاضای بازار تنظیم می‌کنند. یعنی عرضه کنندگان همان گونه که تقاضا و قیمت کالاها را در مکان‌های مختلف مورد توجه قرار می‌دهند، تقاضا و قیمت کالاها در زمان‌های متفاوت را نیز برای برنامه ریزی مقدر عرضه کالا در نظر می‌گیرند؛ و متناسب با تقاضای بازار و احتیاج مردم کالاها را عرضه می‌کنند؛ و قیمت فروش به طور عادلانه تعیین می‌شود و رونق بازار تضمین می‌گردد. این نوع حبس کالا انبارداری است و اساساً از مفهوم احتکار خارج است و از اصول تجارت سود آور و مورد توجه شرع است (نجفی، ۲۲/۴۸۴).

۴- حبسی که مصرف کنندگان - نه عرضه کنندگان - برای ذخیره سازی قوت سالانه - نه تجارت - انجام می‌دهند. این امر از نظر شرع مستحب است (عاملی، ۲۱-۱۲/۳۲۰) و پیداست که داخل در احتکار نیست (منتظری، ۳۸).

۳-۴- اقدامات دولت برای جلوگیری از احتکار

کیفیت رفتار دولت اسلامی در برابر پدیده احتکار در یک دسته از روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) تبیین شده است که برای نمونه به ذکر چند روایت بسنده می‌شود:

۱- "فامنع من الاحتکار فان رسول الله منع منه، فمن قارف حكره بعد نهيك اياه فنكل به و عاقبه من غير اسراف" (عبده، ۲/۱۰۳).

۲- "انه عن الحكره فمن ركب النهي فاجعه ثم عاقبه باظهار ما احتكر" (مغربی، ۳۶، ۲/۱).

۳- "يا حكيم بن حزام اياك ان تحتكر" (عاملی، ۲/۳۱۶).

۴- "الجالب مرزوق و المحتكر ملعون" (عاملی، ۲/۳۱۴).

۵- ابو الحکم روایت می‌کند که "ان علی بن ابی طالب احرق طعاما احتكر بماء

الف" (ابن حزم، ۶/۱۶۵).

۶- از حبیش روایت می کنند که "احرق لی علی بن ابی طالب بیادر بالسواد کنت احتکرتها لو ترکها لریحت فیها مثل عطاء الکوفه" (همان مأخذ).

این اخبار در حرمت احتکار ظهور دارد (منتظری، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۴). از بررسی روایات یاد شده و روایات فراوان دیگر دانسته می شود که دولت اسلامی از احتکار جلوگیری می کند؛ و محترک را مجبور به عرضه کالا در بازار می نماید (محقق حلی، ۱۴۱۶، ۱۲۰، شیخ مفید، ۹۶)، اما برای کالا قیمت تعیین نمی کند (شیخ طوسی، ۱۵۹/۲ و محقق حلی، ۲/۲۱۲). گاهی در اثر همین امر یعنی عرضه کالا در بازار تقاضای مصرف کنندگان تامین و احتیاج آنان برطرف می شود و تعیین قیمتها توسط دولت لازم نمی آید (منتظری، ۶۶-۶۵). اما، چنانچه اجبار محترک به عرضه کالا و عدم تعیین قیمت مانع از تحقق اجحاف و ظلم به مصرف کنندگان نشود، دولت عرضه کنندگان را ملزم به تثبیت و رعایت قیمت عادلانه می کند (خمینی، ۱/۵۰۲)؛ و در صورت عدم رعایت قیمت عادلانه و با فرض تحقق اجحاف، دولت می تواند مطابق مصالح عمومی امر نرخ گذاری را بر عهده بگیرد (شیخ مفید، ۹۶ و نجفی، ۲۲/۴۸۱). لیکن، در هر حال دخالت دولت باید دو شرط کلی داشته باشد (منتظری، ۶۵): (۱) عدم اضرار به عرضه کنندگان؛ و (۲) تنها به اندازه ای باشد که ضرورت مرتفع گردد و از آن حد تجاوز نکند.

۴-۴- موارد احتکار

پیش از این اشاره رفت که تنها نوعی از حبس کالا مصداق احتکار است که جامعه بدان نیاز شدید داشته باشد (محقق داماد، ۱۳۶۲-۵۳). با توجه به این مفهوم و روایات نقل شده در این باره، چنین می نماید که در زمان پیامبر (ص) و شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان تولید و عرضه برخی از مواد خوراکی محدود و برای مصرف عمومی بود. از این رو، نیاز و تقاضای مصرف کنندگان برای این گونه کالاها بالا بود. بنابراین، کمبود عرضه و بسا بودن تقاضا انگیزه ای برای احتکار مواد خوراکی ایجاد می نمود و گاهی با وجود نیاز جامعه، کالا احتکار می شد. شمار این کالاها ظاهراً به تفاوت شرایط بیش و کم می شد به گونه ای که در دسته ای از روایات این تعداد به حد اکثر ده نوع کالا شامل: گندم، جو، خرما، کشمش، ذرت، روغن، عسل، پنیر، روغن زیتون و گردو می رسد (نوری، ۲/۲۲)؛ و در دسته ای دیگر به گندم، جو، خرما، روغن و روغن زیتون

محدود شده است (عاملی، ۱۲/۳۱۴). در روایاتی نیز تعداد این کالاها بین این دو حد ذکر شده است (عاملی، ۳۱۵).

مطابق با روایات، در عصر امام علی (ع) چنین می نماید که شمار مواد خوراکی مورد نیاز جامعه که مصداق احتکار به شمار می رفت، کمتر بوده است (نوری، ۲/۲۲، عاملی، ۱۲/۳۱۵). به استناد روایات، در زمان امام صادق (ع) نیز شش تا هشت مورد خاص از مواد خوراکی که مورد احتیاج شدید جامعه بود از مصادیق احتکار تلقی می شد (عاملی، ۵-۱۲/۳۱۴)؛ و تنها در این موارد خاص دخالت دولت برای جلوگیری از احتکار جایز می نمود. ولی دولتهای وقت به استناد فتوای ابو حنیفه (کاسانی، ۵/۱۲۹) و مالک (تنوخی، ۳/۲۹۰)، دو فقیه عراق و حجاز، و به بهانه منع احتکار در غیر از موارد خاص، که در آن شرایط مورد احتیاج شدید و داخل در عنوان احتکار نبود، در اموال مردم دخالت و تصرف می کردند؛ و از این رو، مورد اعتراض امام (ع) قرار می گرفتند (منتظری، ۴۶).

به نظر می رسد که فقهای شیعه نظر به این گونه روایات و به مقتضای جمع اخبار و حمل مطلق بر مقید، احتکار مورد نهی را در قوت انسان یا اشیاء ویژه ذکر شده در روایات منحصر کرده اند؛^۱ حال آن که حرمت یا کراهت احتکار حکم تبعیدی بدون ملاک یا با ملاک غیبی غیر قابل فهم نیست، بلکه از روایات باب احتکار استفاده می شود که ملاک حکم نیاز شدید مردم به کالا و تحقق تنگنا و ضرر مردم در اثر نبودن آن کالا - خواه قوت یا غیر آن - است (منتظری، ۴۶).

۵- دخالت دولت در مکانیسم تعیین قیمت

یکی دیگر از موارد دخالت دولت در اقتصاد دخالت در مکانیسم تعیین قیمت است. دولت کوشش می کند تا قیمتها توسط فرایند عرضه و تقاضا و بدون دخالت دولت تعیین شوند. اما، در شرایط ویژه که قیمتها به صورت طبیعی و متعارف تعیین نمی شوند، دولت برای حفظ مصالح جامعه مجبور به دخالت می گردد.

^۱ مگر مورد نمک که در فتاوی برخی از فقها همچون شهید اول (دروس، ۳۳۲، اللعه دمشقیه، ۳/۲۲۴) و شیخ الطایفه (مبسوط، ۲/۱۹۵) و علامه حلی (قواعد، ۱/۱۲۲) و ابن حمزه (الجوامع الفقیهیه، ۷۰۹) آمده است، ولی در روایات دیگر به عنوان احتکار ذکر نشده است (منتظری، ۴۲).

۵-۱ قیمت طبیعی و متعارف

نظام اقتصادی اسلام با اعمال محدودیتهای قانونی در صدد کنترل تقاضای جامعه مطابق با مصالح واقعی انسان است. دولت کوشش می کند تا تولید، عرضه و تقاضای کالاها و خدمات محدود به مجاز بودن استعمال آنها باشد و وجود تقاضا برای کالاهای غیر قانونی مجوز عرضه آنها تلقی نمی شود. بنابراین، اگر کالاهایی مانند آلات قمار، مشروبات الکلی و کالاهای تقلبی تولید و عرضه شود و مورد تقاضا نیز قرار گیرد، مبادله آنها حرام است و با دخالت دولت از تولید، عرضه و معامله آنها جلوگیری می شود.

غیر از محدودیت یاد شده تولید، عرضه و تقاضای همه کالاها و خدمات مجاز است. قیمت‌های متعارف و طبیعی کالاها و خدمات معلول مکانیسم عرضه و تقاضا و شرایط طبیعی و اجتماعی است. قیمت‌ها تا وقتی که به صورت طبیعی تعیین می شوند مورد حمایت دولت قرار دارند. در روایات ظاهراً همین مکانیسم تعیین قیمت است که به خدا نسبت داده می شود (منتظری، ص ۶۵). روایات زیر از این دسته هستند:

۱- *إنما السعر الی الله یرفعه اذا یشاء و ینخفضه اذا شاء* (عاملی، ۱۲/۳۱۶).

۲- *إن الله وکل بالاسعار ملکاً یدبر بامرہ* (عاملی، ۷-۱۲/۳۱۶).

۳- *إن الله وکل بالاسعار ملکاً یدبرها* (همان مأخذ).

۴- *إن الله هو المسعر القابض الباسط الرازق* (ابی داوود، ۳/۲۲۷).

از این گونه روایات فهمیده می شود که قیمت طبیعی معلول عرضه و تقاضا و شرایط طبیعی و اجتماعی است و امر همه این اسباب به مشیت و اراده الهی حاکم بر نظام وجود باز می گردد. منظور از قیمت‌هایی که منسوب به خداست تنها این قیمت طبیعی یا در حدود آن می تواند باشد، نه آن قیمتی که در اثر انحصار و احتکار و به طور اجحاف و ظالمانه تعیین می شود.

۵-۲ سیاست تثبیت قیمت‌ها

با توجه به آن چه گفته شد، تا زمانی که قیمت‌های کالاها و خدمات به حد اجحاف نرسیده باشد، دولت در تعیین قیمت‌ها دخالت نمی کند. ولی، چون به حد اجحاف رسد، دولت به عنوان آخرین مرحله برای جلوگیری از زیان مصرف کنندگان به تثبیت قیمت‌ها می پردازد. از این روست که وقتی پیامبر (ص) با درخواست بعضی از مردم برای تثبیت قیمت‌ها مواجه شد، چون قیمت‌ها را در آن شرایط اقتصادی و اجتماعی طبیعی و متعارف

می دانست، مکانیسم تعیین قیمتها را به خدا نسبت داد و فرمود: *إن الله هو المسعر القابض الباسط الرازق* (ابی داوود، ۳/۲۲۷).

پیداست که افزایش قیمتها در اثر شرایط اقتصادی و اجتماعی طبیعی بود، ولی مصرف کنندگان دخالت دولت در مکانیسم طبیعی تعیین قیمت را طلب می کردند (منتظری، ۶۵). دخالت دولت در آن شرایط موجب ظلم و اجحاف به عرضه کنندگان و در نتیجه رکود تولید و تجارت و زیان افراد و جامعه می شد.

بنابراین، سیاست تثبیت قیمتها بر این اصل اساسی استوار است که این سیاست هیچ گونه ظلم و اجحافی به عرضه کنندگان روا ندارد. اما، اگر قیمتها در اثر شرایط غیر طبیعی توسط عرضه کنندگان به گونه ای تعیین شود که موجب ظلم و اجحاف به مصرف کنندگان گردد، سیاست دولت بر دخالت در این مکانیسم قرار می گیرد. در این صورت، در عین حال که با تثبیت قیمتها مصالح مصرف کنندگان را فراهم می کند، سود دهی معقول و عدم زیان تولید کنندگان را نیز تأمین می نماید. در نتیجه، قیمتها و دخالت دولت در مکانیسم تعیین قیمتها نباید موجب اضرار به مصرف کنندگان یا عرضه کنندگان و در نتیجه مصالح عمومی جامعه گردد؛ و این همان سیاستی است که امام علی (ع) در عبارت *"ولیکن البیع سمحاً بموازين عدل و اسعار لا تجحف بالفریقین من البایع و المبتاع"* (عبده، ۲/۱۰۳) دولت را بدان مکلف می کند.

۶- جمع بندی و خلاصه

در ضرورت تشکیل حکومت اختلافی نیست. دولت وظایف متعددی دارد. بخشی از این وظایف اقتصادی است و در قالب برنامه ریزی، تعیین جهت گیریهای عمومی و تدوین اصول و سیاستهای راهبردی است. اصل اولی بر آزادی اقتصادی است. دولت برای انطباق فعالیتهای اقتصادی با جهت گیریهای عمومی و اصول و سیاستهای کلی دخالت می کند. حدود اختیارات دولت در این باره اجرای احکام اولیه، تشخیص ضرورت و حاکم نمودن احکام ثانویه و وضع و اجرای احکام حکومتی هنگام اقتضای مصلحت است. یکی از مصادیق دخالت دولت، دخالت در نظام بازار است. منع احتکار و جلوگیری از تشکیل انحصارات یک نمونه از این دخالت است. دولت از احتکار جلوگیری می کند؛ محتکر را مجبور به عرضه کالاهای احتکار شده می نماید؛ و تا وقتی که قیمت کالاها به حد ظلم و اجحاف نرسد، برای آنها قیمت تعیین نمی کند. نمونه دیگر دخالت دولت،

دخالت در مکانیسم تعیین قیمت است. دولت کوشش می کند تا قیمت‌ها توسط مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین شوند. چنین قیمت‌هایی مورد تأیید و حمایت دولتند و در روایات به خدا نسبت داده می شوند. اما، بدیهی است که قیمت‌هایی که حاصل شرایط انحصاری و احتکاری و موجب تحقق ظلم و اجحاف به مصرف کنندگان هستند، نمی توانند به خداوند عادل نسبت داده شوند. در صورت تحقق ظلم و اجحاف به مصرف کنندگان، دولت دخالت می کند و سیاست تثبیت قیمت‌ها را به اجرا می گذارد. در هر حال، دخالت دولت در مکانیسم تعیین قیمت همان گونه که باید برای حفظ مصالح مصرف کنندگان باشد، به هیچ وجه نباید موجب اضرار به تولید و عرضه کنندگان گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ابن حزم، *المحلی*. تصحیح احمد محمد شاکر، قاهره ۵۲-۱۳۴۷ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، *المقدمه*، بیروت، کتاب الشعب، ۱۹۷۰م.
- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار لسان العرب، بی تا.
- ابو عیید، قاسم بن سلام. *الاموال*، مصر، قاهره، ۱۹۸۶م.
- ابوعلی، محمد بن الحسین الفراء، *الاحکام السطانیه*، مصر، الحلبي، ۱۹۶۶م.
- البشانی، فواد افرام، *منجد الطلاب*، چاپ ۱۸، بیروت، دار المشرق، ۱۹۵۶م.
- الرئیس، محمدضیاء الدین، *النظریات السیاسیه الاسلامیه*، چاپ ۵، مصر، دارالمعارف، ۱۹۹۶م.
- المواردی، ابوالحسن علی بن محمد، *الاحکام السطانیه*، مصر، قاهره، ۱۹۸۷م.
- برکات، عبدالکریم صادق و الکفراوی، عوف محمود، *الاقتصاد المالئ الاسلامی*، اسکندریه، موسسه شباب الجامعه، ۱۹۸۴م.
- تسخیری، محمدعلی، "آزادی اقتصادی، اصول و حدود آن در اسلام"، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، ج ۱، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۵۵-۱۴۳.
- تنوخی مالکی، ابو سعید عبدالسلام، *المدونه الکبری*، قاهره، ۱۳۲۳ق.
- زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلامی*، مصر، دار الهلال، ۱۹۵۸م.
- حسینی عاملی، جواد بن محمد. *مفتاح الکرامه*، قاهره، ۱۳۲۳ق.
- خمینی، روح الله، *ولایت فقیه و جهاد اکبر*، تهران، انتشارات فقیه، بی تا.
- دیاربکری، حسین بن محمد، *تاریخ الخمیس*، قاهره، ۱۳۰۲ق.
- شهید اول، *الدروس الشرعیه*، تهران، ۱۲۶۹ق.
- شهید اول، *اللمعه الدمشقیه*، تصحیح محمد آقا رفیعی طالقانی، تهران، ۱۳۸۱ق.
- شیخ طوسی، *الاستبصار*، تصحیح حسن موسوی، نجف، ۱۳۷۵ق.
- شیخ طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، ۱۳۷۸/۹۹ق.
- شیخ طوسی، *النهایه*، بیروت، ۱۹۷۰م.
- صدر، محمد باقر، *اقتصاد ما*، ج ۱، ترجمه محمد کاظم بجنوردی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰.
- صدر، محمد باقر، *اقتصاد ما*، ج ۲، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷.

- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، لیدن، ۲-۱۸۸۱م.
 عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح عبد الرحیم ربانی شیرازی و محمد رازی،
 تهران، ۱۳۷۶ق.
- عبده، محمد، نهج البلاغه، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
 علامه حلی، قواعد الاحکام، تهران، ۱۳۷۲ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، قاهره، ۱۳۳۰ق.
 خف، محمد منذر، الاقتصاد الاسلامی، کویت، دار القلم، ۱۹۷۹ق.
 کاسانی حنفی، علاء الدین ابوبکر، بدائع الصنایع، قاهره، ۱۰-۱۹۰۹م.
 مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار، تهران، ۱۳۸۷ق.
 محقق حلی، المختصر النافع، قم، موسسه البعثه، ۱۴۱۶ق.
 محقق حلی، شرایع الاسلام، بیروت، دار مکتبه الحیاه، بی تا.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، تهران، علوم اسلامی، ۱۳۶۳.
 محقق داماد، سید مصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام، تهران، اندیشه
 های نو در علوم اسلامی، ۱۳۶۲.
- مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، بی تا.
- مغربی تمیمی، نعمان بن محمد، دعايم الاسلام، ج ۲، تصحیح آصف بن علی اصغر فیضی،
 قاهره، ۱۹۶۵م.
- مکارم شیرازی، ناصر، "نقش عناوین ثانویه در اقتصاد اسلامی"، مجموعه مقالات فارسی
 اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، ج ۱، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی استان قدس
 رضوی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹-۱۰۳.
- منتظری، حسینعلی، رساله فی الحتکار و التسعیر، قم، ۱۳۶۷.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تصحیح عباس قوچانی و دیگران، تهران، دارالکتب
 الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۸۰.
- حلی، علی بن برهان الدین، انسان العیون (سیره الحلبیه)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۰م.
 الکتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (الترازیب الاداریه)، بیروت، دار احیاء التراث
 العربی، بی تا.

Government Intervention in the Economy from the Viewpoint of Islamic Economic System

Mansour Zarra Nezhad (Ph.D.)*

Abstract:

There is a general agreement on the necessity of establishment of government. According to the Islamic economic system, the government has specific responsibilities. Based on these responsibilities, the government is said to lead the economic activities into the basic framework of the Islamic economic activities. Furthermore, the government exercises control on economic activities which are in agreement with the aims and principles of the Islamic economic system and also with the public interests. If economic activities do not meet the required conditions, the government will, accordingly, intervene in the whole economy. An example of such a case is the government's intervention in mechanism of the market. This may eventually manifest itself in preventing hoarding and monopoly or in the restriction laid on prices.

Keywords: Islamic economic system, government intervention, hoarding, monopoly, price mechanism.

* Asisstant professor of economics, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.